

(۴)

مسئولیت مدنی

دکتر جعفر بوشهری

وکیل دادگستری

دعوی سیزدهم (۱)

مرجع رسیدگی: دیوان عالی تمیز

محل: ایالت داکوتای شمالی

از ایالات متحده آمریکا

سال: ۱۹۳۶

دعوی حاضر بمنظور وصول بهای ۲۴۶۶۰ کیلو گندم که از مدعی سرقت

1) *Hovland v. Farmers Union Elev. Co. Supreme Court*

of North Dakota, 1936. 67 N. Dak. 71, 289 N. W. 842.

شده و به مدعی علیه فروخته و تحویل گردیده و مشارالیه اطلاعی از مسروقه بودن آن نداشته، اقامه شده است. قریب يك سال و هشت ماه پس از حادثه سرقت و فروش گندم مدعی از هویت خریدار گندم مستحضر گردیده و به وی مراجعه و طی اظهارنامه‌ای از او درخواست می‌کند که گندم را مسترد یا گندمی به همان مقدار و همان جنس به وی تسلیم نماید یا بهای آنرا بپردازد. مدعی علیه از قبول این تقاضا شانه خالی کرده و لذا این دعوی بخواسته وصول بهای گندم بطرفیت وی در دادگاه طرح شده است. بهای گندم در تاریخ مطالبه قریب سه برابر و نیم بهای روز وقوع سرقت بوده است.

خلاصه نظر دادگاه بدوی این است که بهای گندم نه در تاریخ سرقت و نه در موقع مطالبه هیچکدام مناط اعتبار نیست، بلکه قیمت گندم در موقع خرید آن بوسیله مدعی علیه مأخذ محاسبه و پرداخت وجه آن می‌باشد.

رای دیوان عالی تمیز:

کسی که مالی را بدون تحقیق از منشاء تصرف فروشنده می‌خرد، از يك طرف خطری را استقبال می‌کند و خود را در معرض دعوی تصرف غیر مجاز مالك حقیقی قرار می‌دهد، و از طرف دیگر با تصرف مال بعنوان مالك از حقی استفاده می‌کند که با حق مالك معارض است و لوائینکه حسن نیت داشته باشد. **حسن نیت وعدم اطلاع** را هرگز نمی‌توان عذر و بهانه و دفاع و دلیل موجه در برابر دعوی تصرف غیر مجاز دانست.

و اما در باب بهای گندم هر گاه فرض شود که تصرف غیر قانونی از لحظه‌ای شروع شده است که معامله انجام یافته و مال به تصرف خریدار درآمده، تاریخ مذکور مالك احتساب نرخ گندم و پرداخت آن بمالك خواهد بود؛ لیکن اگر ادعای خواهان دایر به اینک که تصرف غیر مجاز از موقع مطالبه بوده نه تاریخ وقوع معامله، در این صورت بهای تاریخ مطالبه، یعنی يك سال و هشت ماه پس از آن مناط اعتبار می‌باشد.

بعبارت دیگر برای اثبات تصرف غیر مجاز اگر مطالبه از شروط اساسی فرض شود، حق بامدعی است. والا بامطلق خرید مال و تحویل آن و بدون قید مطالبه، تصرف غیر قانونی تحقق یافته و بهای مال در همان تاریخ ملاک احتساب محکوم به خواهد بود.

حق این است که اولاً مطالبه حاکی از اعتراض به امریست که قبلاً اتفاق افتاده و حتی بدون آنهم مالک می‌توانست به دادگاه رجوع کند و استرداد اصل مال یا بهای آنرا از محکمه بخواهد. ثانیاً منشاء مسئولیت خوانده، عدم تحقیق در مالکیت فروشنده هنگام خرید و تصرف در مال غیر بوده. ثالثاً در حکم دادگاه بدوی مدعی علیه محکوم به پرداخت بهره قانونی بهای گندم از تاریخ معامله شده و با این ترتیب جریمه و تاوان تصرف غیر مجاز خود را یک بار پرداخته است. علیهذا و نظر به کلیه جهات فوق بر حکم فرجامخواسته اشکالی وارد نیست و ابرام می‌شود.

دعوی چهاردهم (۱)

مرجع رسیدگی: دادگاه استیناف

محل: شهر نیویورک

سال: ۱۸۷۱

بازرگانی کالایی را بوسیله یک مؤسسه کشتیرانی بمقصد نیویورک ارسال و روی محمولات مزبور نام مرسل الیه را قید می‌نماید. پس از وصول کالا به نیویورک شخصی برای دریافت آن مراجعه، لیکن کارمندان شرکت کشتیرانی از تحویل کالا به او خودداری و از وی دلیل مالکیت یا سندی حاکی از اینکه کالا برای او فرستاده شده است، مطالبه می‌کنند. بر اثر استنکاف شرکت کشتیرانی از تحویل کالا شخص فوق به ادعای تصرف غیر مجاز و وصول خسارات ناشی از آن بطرفیت شرکت مزبور اقامه دعوا می‌نماید.

1) Mcentee v. New Jersey Steamboat Co. Court of Appeals of New York, - 1871. 45 N. Y. 34, 6 Am. Rep. 28.

اصلی که مبنای رای دادگاه قرار گرفته، اینست که مقتضای امور بازرگانی رعایت سرعت است و لذا تنها موردی که مؤسسه حمل و نقل ذیحق در توقیف و نگهداری کالا می باشد، وقتی است که کرایه حمل به وی پرداخت نشده باشد و الا در مورد تحقیق در هویت مراجعه کنندگان به صرف مراجعه آنان و فقدان قرینه بر تزویر و تقلب آنان مؤسسه مکلف به تحویل کالا بوده و هرگاه بررسی بیشتری را ضروری می دانسته، وظیفه مزبور از این جهت که ناشی از تردید مؤسسه بوده، انجام آنرا مؤسسه بعهد داشته و حق نداشته است آنرا تکلیف دیگران بداند و به توقیف کالا اقدام و موجبات سلب حق و اضرار دیگران را فراهم سازد. شرکت کشتیرانی به پرداخت بهای کالا و کلیه خسارات محکوم می شود، زیرا کالا بر اثر ماندن در انبار مؤسسه خاصیت اولیه خود را از دست داده، کسی حاضر بخرید آن به آن صورت نبوده است.

رای دادگاه استان:

مؤسسه حمل و نقل به علت خودداری از تحویل کالا با احراز مراجعه و تقاضای مدعیان مقصر و متصرف غیر مجاز تشخیص و پرداخت خسارت محکوم گردیده است. هرگاه تقاضای تحویل کالا از طرف کسی که ذیحق بدریافت آن بوده، بعمل می آمد و خودداری مؤسسه نیر مطلق و بی قید و شرط بود، راهی جز محکومیت مؤسسه باقی نمی ماند. لیکن اگر عدم تحویل کالا مشروط و مقید بوده، دادگاه مکلف به رسیدگی است، تا هرگاه شروط مزبور معقول و موجه و مقرون به حسن نیت باشد، ادعای تصرف غیر مجاز را رد و بی مورد اعلام نماید.

در دعوی مطروح مؤسسه عرفاً موظف و متعهد بوده است که کالا را به شخص ذیصلاحتی تحویل دهد. و الا اعم از اینکه به صرف اشتباه یا بعلت تزویر و حيله شخص ثالث کالا به کسی غیر از مرسل الیه داده می شد، مؤسسه ضامن بود و خسارات بی احتیاطی خود را می پرداخت

و همین تکلیف قطعی مؤسسه به رعایت احتیاط است که بهوی حق و اختیار می‌دهد که از تحویل کالا تا احراز هویت مراجعه‌کننده خودداری نماید .

در دعوی حاضر نظر به عدم ذکر اقامتگاه مرسل الیه و عجز مراجعه‌کننده از اثبات هویت خود و تکلیف مؤسسه در رعایت جوانب احتیاط، دادنامه صادر از دادگاه بدوی فسخ و...

دعوی پانزدهم (۱)

مرجع رسیدگی : دادگاه استیناف ایلینوی

محل : ایالت ایلینوی از ایالات متحده آمریکا

سال : ۱۸۸۶

طرفین دعوی دو تن کشاورز بودند که محل سکونت آنان قریب یک کیلومتر و نیم با یکدیگر فاصله دارد . یکی از آنان که وی را آقای الف . خواهیم خواند ، دارای ۸ سگ تازی است که برای شکار از آنها استفاده می‌کند . سگهای مزبور در کشتزار آقای ب . آنهم در فصلی که جوانه‌های گندم در آن بحد رشد بوده‌اند ، به بازی و جست‌وخیز و تعقیب خرگوشها می‌پرداخته‌اند و خسارت بسیار به کشت گندم وارد کرده ، بحدی که قسمتی از کشتزار راهی جهت عبور و مرور سگها ، و قسمت عمده دیگر صحنه تاخت و تاز سگها گردیده و کوشش آقای ب . و کارگزارانش جهت اخراج سگها نتیجه مؤثری نداده و دائماً بر خسارات افزوده شده است . تا اینکه روزی یکی از سگها با همسعی آقای ب . برای اخراجش سماجت کرده و از مزرعه بیرون نرفته و آقای ب . ناگزیر سگ را هدف گلوله قرار داده و آنرا کشته . جسدش را جلوی خانه صاحبش آقای الف . انداخته است .

1) Lipe v. Blackwelder. Appellate Court of Illinois,

1886. 25 Ill. App. 119.

دعوا بخواسته وصول کلیه خسارات مادی و معنوی ناشی از کشته شدن سگ

آنها با آن وضع فجیع از طرف آقای الف . به طرفیت آقای ب . طرح و منتهی به محکومیت آقای الف . به بی حقی شده است .

خلاصه استدلال محکمه بدوی چنین است :

آقای ب . حق داشته که سگ را از ملك خود بیرون براند و در اجرای حق قانونی مزبور هر گاه مرتکب ضرب و جرح و نقص عضو و حتی قتل سگ شده ، حرجی بروی نیست . اکنون که در حقانیت آقای ب . در اخراج سگ شبهه ای وجود ندارد ، مرحله بعد رسیدگی به نحوه اقدام اوست ، آقای ب . مکلف به رعایت فقط دو شرط بوده :

اول اینکه در اوضاع و احوالی که او در آن لحظات با آنها مواجه شده ، وسیله ای بکار برده باشد که هر شخص معقول عادة به آنها متوسل می شود ؛ دوم اینکه سگ را بیش از آنچه که برای اخراجش از ملك ضروری بوده ، نیاز زده - باشد . و چون داد گاه اسناد و ادله و گواهی و قراین دعوی را کافی برای اثبات تجاوز ب . از حدود شرایط مزبور نمی داند ، بمحکومیت خواهان حکم می دهد . و کیل خواهان به حکم فوق معترض و دلیلش این است که داد گاه باید به اینهمه بیعدالتی ، یعنی کشتن حیوانی جاندار برای دفاع از گندم عنایت می نمود و هرگز اجازه نمی دادند که حیوانی اهلی و خانگی با آنها صفت پر ارزش با چنان وسیله قتاله سهمگینی به قتل برسد . اقدام بیرحمانه آقای ب . اصلا و مطلقا و بهیچ تعبیری ، با هیچ قاعده و قانون و رویه ای که تاکنون در این سرزمین معمول بوده است ، مطابقت ندارد .

و اما رأی داد گاه استان :

اعتراض و کیل خواهان وارد نیست ، زیرا اولاً هر کس مجاز و ذیحق است که اموال خود را از دستبرد یا تخریب یا ایراد هر نقص و عیبی حراست کند ، مشروط بر اینکه از حد معقول و به شرحی که داد گاه بدوی صحیحاً تجزیه و تحلیل کرده است ، خارج نشود ؛ ثانیاً پیشینیان ما نیز در دعوی مشابه که طی آن سگی هنگام حمله به ماهیهایی که

برای خشکانیدن به دیوار آویخته بودند ، کشته شده بود ، چنین رأی داده اند :

«هر کس ذیحق است که از گوشت و ماهی و هر خوردنی دیگری که در اطاق ، آشپز خانه ، حیاط خانه خود دارد ، در قبال حمله سگ غیر دفاع کند و هر گاه راه دیگری برای بیرون راندن سگ و دفع شر آن نداشته باشد ، به کشتنش اقدام ورزد .»
و در حکم دیگری چنین استدلال کرده اند :

«ضرورت دفاع و حقانیت آن باید محرز شود. و اقدامات دفاعی از حدود معقول خارج نباشد . مقایسه نتایجی که بر اثر دفاع بوجود می آید ، با زیانهایی که در صورت خودداری از دفاع بوقوع می پیوندد ، از جمله ملاکهایی است که در هر نوع دفاعی ، اعم از دفاع از مال یا جان باید مورد توجه قرار گیرد .»

ثالثاً اگر هیچ دلیل دیگری وجود نمی داشت ، غیر از اینکه سگ عادت کرده بود که به کشتزار آقای ب . بیاید و محصول او را لگد مال کند و بهوی زیان برساند ، همین مقدار تجاوز مستمر که حاکی از بی ثمر بودن اقدامات قبلی آقای ب . می باشد ، برای کشتن سگ کافی بوده است .

بنا بر مراتب فوق حکم داد گاه بدوی تأیید می شود .

دعوی شانزدهم (۱)

مرجع رسیدگی : دیوانعالی تمیز

محل : ایالات ایندیانا از ایالات متحده امریکای شمالی

سال : ۱۹۳۴

شخصی بطرفیت چند تن دعوی حاضر را طرح و ادعا می کند که خواندگان

1) Wallace v. Feehan. Supreme Court of Indiana, 1934. 206 Ind. 522, 190 N. E. 438.

مزرعه او را که در آن جو کاشته بوده، شخم زده اند و علاوه بر اینکه محصول او را بکلی نابود کرده، خسارات هنگفتی به زمین وی که در آن زمان به شدت مرطوب بوده است، وارد نموده اند.

خوانندگان پس از ذکر اینکه همگی افسران و کارکنان وزارت منابع طبیعی بوده و اقدام فوق را بنمایندگی و از طرف وزارت متبوع خود کرده اند، چنین توضیح می دهند: نوعی آفت نباتی خطرناک از مشرق و شمال کشور به این ایالت هجوم آورده و در شهر کوچکی که مزرعه خواهان در آن واقع است، نیز پراکنده شده و بتدریج آنچنان هولناک و تهدید آمیز گردیده بود که شورای حفظ منابع طبیعی بمنظور کاهش خطر و خسارت، بعضی نواحی این ایالت و از جمله همین شهر کوچک را ممنوع اعلام نمود و تصمیم گرفت محصول جو و نظایر آن از بیخ و بن شخم شود و در زیر خاک مدفون گردد یا بهر طریق دیگر آثار آن بکلی از میان برود. تصمیم مذکور پس از توشیح فرماندار بمورد اجرا گذاشته شد و ما مأموران آن بودیم. علاوه بر این چندی قبل از اقدام به شخم زمین و ازاله زراعت به خواهان نموده و در طی آن تصمیم قانونی حکومت را متذکر شدیم، لیکن متأسفانه مشارالیه نه تنها اقدامی بعمل نیاورد، بلکه پاسخ داد که از قانون و حکم تمرد می کند و به وزارت منابع طبیعی و مأموران آنهم بهیچ عنوان اجازه نخواهد داد که چنان مقررات بمورد و عجیب و بی سابقه ای را اجرا کنند. این بود که پس از انقضای مهلت های قانونی و به شرح مندرج در اخطاریه به مزرعه خواهان وارد و به تکلیف قانونی خود عمل کرده، زراعت خواهان را شخم زده از میان برده ایم.

رای دیوان عالی تمیز:

صرف وجود قانون و داشتن صلاحیت اجرای آن، بشرحی که خوانندگان ادعا کرده اند، موجب سلب مسئولیت آنان و یا مستلزم خودداری از رسیدگی به ماهیت و خصوصیت اعمالی که در اجرای قانون از آنان سرزده است، نمی باشد. وظایفی که بمأموران حکومت ارجاع

می‌گردد، بر دو گونه است: اول اینکه در اتخاذ تصمیم به آنان اختیار داده می‌شود تا به نظر و سلیقه و تشخیص و بصیرت خود آنچه را که صلاح و مقتضی است، بجا بیاورند. در این صورت مسئولیت جبران خسارات زیان‌دیده باشخص مأمور نیست ولو اینکه در تصمیم اشتباه کرده یا کج سلیقه‌ی نشان داده یا طریق عاقلانه‌ای نپیموده باشد؛ دوم اینکه هیچگونه قضاوتی در انجام وظیفه به آنان محول نگردیده و منحصر مأمور اجرای حکم می‌باشند که در این حالت در برابر زیان‌دیده شخصاً مسئول صحت اقدامات خود خواهند بود. بنابراین کسانی که در مشاغل قضایی انجام وظیفه می‌کنند یا عهده‌دار وظایفی از این نوع می‌باشند، مادام که بادرستی و امانت و در حدود صلاحیت رسیدگی و حکم‌کنند، از مسئولیت جبران خسارت مصونند؛ حتی اگر در استنباط مرتکب سهو و اشتباه و خطا شوند. تعقیب آنان فقط در صورتی میسر است که مجاز در انجام آن نبوده یا با سوء نیت آنرا بجا آورده باشند. لیکن در مورد اجرای مقررات و نظامات و احکامی که مجال قضاوت به مأمور داده نمی‌شود، داشتن حسن نیت به تنهایی دفاع محسوب نخواهد شد و هر گاه اشتباهی در کارشان رخ دهد، مسئول شناخته می‌شوند.

به اعتقاد دیوان اقدام مأموران وزارت حفظ منابع طبیعی متضمن هر دو نوع وظیفه فوق بوده؛ اول اینکه چون صاحب زراعت از اجرای دستور سرباز زده، مأموران باید تصمیم می‌گرفتند که با چه وسیله و به چه نحو و با کدام یک از طرقی که در مقررات پیش‌بینی و اختیار انتخاب آنها در هر یک از موارد به مأموران داده شده است، زراعت مزبور را از میان ببرند؛ دوم اجرای تصمیم که به ترتیب مزبور اتخاذ کرده‌اند. اقدام اول محتاج قضاوت و ابتکار می‌باشد و اقدام دوم چنان نیست. نظر به اینکه در مقررات راههای عیدیه و از جمله شخم کشت پیش‌بینی گردیده و بکار بردن هر یک از روشهای مزبور در

صلاحیت خوانندگان بوده ، با انتخاب طریقه شخم زمین در آن موقع خاص و از اوضاع و احوال و شرایط و کیفیاتی که با آن مواجه بوده‌اند، ایرادی وارد نیست و آنچه باقی می‌ماند، اینکه هر گاه سوء نیت داشته‌اند، مدعی باید آنرا اثبات کند . در مورد اجرای تصمیم، خوانندگان مکلف بوده‌اند که زمین را بطریقی شخم کنند که متضمن حداقل ورود خسارت باشد و لذا هر گونه بی احتیاطی و بی مبالائی که کرده باشند ، مسئولیت مستقیم آن دامنگیرشان بوده و محکوم به جبران آن خواهند شد .
داد گاه عالی باید با تجزیه و تحلیل فوق به موضوع رسیدگی کند ...

